

Implications of Socio-Cultural Sustainability of Marine-Based Development of Mokran Coastal Zone

Farid Gholipour Moghadam¹ Ph.D. Student in Public Administration, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Reza Esmaili² Associate Professor, Department of Public Administration, Sciences and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

Mehraban Hadi Peykani³ Assistant Professor, Department of Public Administration, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Received: 2022/01/17 | Accepted: 2022/10/19

Abstract

Purpose: Social development is about putting people at the center of development theory. Without considering the human, social and environmental factors of social development, development plans may create dynamics in such a way that the main development factors, instead of supporting development processes, act against development by bringing about delay. In this regard, the purpose of the present research is to identify the consequences of socio-cultural sustainability of the marine-based development of Mokran Coastal Zone.

Methodology: This research applied qualitative database method. The statistical population consisted of experts who had sufficient knowledge and practical experience in the field of socio-cultural sustainability. According to the research framework, a semi-structured method was used to collect the required data. After analyzing the contents of the interviews, the socio-cultural sustainability consequences of marine-based development of Mokran Coastal Zone were identified.

Findings: Findings show that the consequences of socio-cultural sustainability of the marine-based development of the Mokran Coastal Zone include social development, trust improvement, cultural intelligence enhancement, security stability and ethnic-local violence reduction. Nevertheless, the consequences of the socio-cultural instability include increase in injustice, feeling of deprivation and exclusion, insecurity and instability, socio-cultural anomalies, dissatisfaction, pessimism, distrust and migration from underprivileged villages and areas to privileged cities.

Originality: This research can lead to the development of socio-cultural sustainability literature of the Mokran Coastal Zone with its exclusive ethnic-religious characteristics. Besides, by understanding the positive and negative stability outcomes of socio-cultural development of this zone, management can improve policy-making and planning for the development of Mokran coasts.

Keywords: Socio-Cultural Sustainability, Trust, Injustice, Security, Deprivation and Exclusion Feeling.

1. gholipour.f@ khuisf.ac.ir

2. r.esmaeili@khuisf.ac.ir

3. m.paykani@khuisf.ac.ir

عنوان مقاله: پیامدهای پایداری اجتماعی- فرهنگی توسعه

دریامحور سواحل مکران

فرید قلی پور مقدم^۱، رضا اسماعیلی^۲، مهربان هادی پیکانی^۳

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷

چکیده:

هدف: توسعه اجتماعی قرار دادن انسان‌ها در مرکز نظریه توسعه است. راهبردهای توسعه بدون در نظر داشتن ابعاد انسانی، اجتماعی، و زیست‌محیطی آن، پویایی‌هایی را ایجاد می‌کند که به موجب آن عوامل اصلی توسعه‌یافتگی به‌جای آن‌که به عنوان پیشرو برای فرایند توسعه عمل کنند، با تاخیرهای زمانی در مقابل توسعه قرار می‌گیرند. هدف این پژوهش، شناسایی پیامدهای پایداری اجتماعی- فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران است.

طرح پژوهش / روش‌شناسی / رویکرد: این پژوهش مبتنی بر روش کیفی داده‌بنیاد است. جامعه آماری این پژوهش شامل خبرگانی است که در حوزه پایداری اجتماعی- فرهنگی دارای دانش کافی و تجربه عملی هستند. با توجه به چارچوب پژوهش، برای گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش از روش نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. پس از تحلیل متن مصاحبه‌ها، پیامدهای پایداری اجتماعی- فرهنگی توسعه دریامحور شناسایی شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیامدهای پایداری اجتماعی- فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران شامل توسعه اجتماعی در جامعه محلی، ارتقای سطح اعتماد در جامعه محلی، ارتقای هوش فرهنگی جامعه محلی، ثبات و پایداری امنیت، و کاهش و تعدیل خشونت قومی- محلی است؛ و پیامدهای عدم پایداری اجتماعی- فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران شامل تشدید بی‌عدالتی، محرومیت و احساس طردشدگی، افزایش ناامنی و بی‌ثباتی، افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی- فرهنگی، تشدید مهاجرت از روستاها و شهرهای کم‌برخوردار به سمت شهرهای برخوردار و تشدید نارضایتی، بدبینی، حساسیت و بی‌اعتمادی است.

ارزش / اصالت پژوهش: این پژوهش می‌تواند موجب توسعه ادبیات پایداری اجتماعی- فرهنگی حوزه خاص سواحل مکران با ویژگی‌های منحصر به فرد قومی- مذهبی منطقه شود و از طریق شناسایی پیامدهای مثبت و منفی پایداری و عدم پایداری اجتماعی- فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران، به بهبود و ارتقای امر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه سواحل مکران کمک نماید.

کلیدواژه‌ها: پایداری اجتماعی- فرهنگی، اعتماد، بی‌عدالتی، امنیت، محرومیت و احساس طردشدگی.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

gholipour.f@khuif.ac.ir

۲. استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
r.esmaeili@khuif.ac.ir

۳. استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
m.paykani@khuif.ac.ir

توسعه اجتماعی در مورد قرار دادن انسان‌ها در مرکز نظریه توسعه است. رویکرد توسعه اجتماعی بر ظرفیت‌ها تاکید می‌کند و بنابراین توانمندسازی در آن بسیار با اهمیت می‌نماید (Razzaque, 2013). توجه به مقوله مشارکت ذی‌نفعان محلی کانون‌های جمعیتی در فرایند انجام و عمل برنامه‌ریزی از مهم‌ترین مقوله‌هایی است که در فرایند برنامه‌ریزی‌های توسعه مورد توجه ویژه قرار گرفته است (Amundsen & Martinsen, 2015). به‌طوری که مشارکت نهادهای غیردولتی و مشارکت سایر بازیگران در برنامه‌ریزی‌های توسعه موجب یکپارچگی افقی و عمودی می‌شود. اما به دلایل مختلف در برخی از کشورها، اهمیت بکارگیری این مولفه‌ها در فرایند عمل برنامه‌ریزی و در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی - اقتصادی و ملی نادیده گرفته می‌شود و در واقع، بی‌توجهی و غفلت از برنامه‌ریزی متناسب با مشارکت عمومی، آثار منفی اجرای برنامه‌ریزی را بیش‌تر می‌کند. مشارکت ذی‌نفعان محلی موجب بهبود ابعاد و شاخص‌های توسعه پایدار، راه‌حلی برای خروج از فقر، و افزایش نیروی کار در مناطق محروم نقش مهمی در فرایندهای تجاری، درآمدزایی و اشتغال‌زایی پروژه‌ها دارند (Akkoyunlu, 2015). هر طرح توسعه‌ای جدا از آثار مثبت آن، پیامدهای منفی نیز به همراه دارد که بی‌توجهی به آن‌ها مشکلاتی نظیر مقاومت مردم و عدم مشارکت آن‌ها در پیشبرد طرح را به دنبال دارد (Talebian & Mallaki, 2013). اثرات منفی طرح‌های توسعه‌ای نظیر فرسایش سرمایه اجتماعی، تخریب محیط‌زیست، ایجاد تضاد میان دولت و مردم، آسیب‌های اجتماعی، و ایجاد تبعیض‌های اجتماعی است که بروز هر یک از این مسائل، ضد توسعه به‌شمار می‌آیند (Malekhoseini & Mirakzadeh, 2014). به همین دلیل، اصلاح شرح خدمات طرح‌ها با تاکید بر پیوست فرهنگی، مطالعات زیست‌محیطی، و مدیریت اجتماعی در جوامع و شناسایی گروه‌های انسانی و مرزهای طبیعی و اجتماعی متاثر از اثرات مختلف (مثبت و منفی) طرح‌ها ضرورت دارد (کرمی و رضایی مقدم، ۱۳۹۵). در پایداری اجتماعی، ما به شناختی از عدالت نمایندگی و توزیعی می‌رسیم که وقتی تجزیه می‌شود، نگرانی‌های مربوط به فرهنگ، هویت، جنسیت، وضعیت، حقوق شهروندی، شیوه زندگی، رفاه، راه‌های آگاهی، مشارکت به‌موقع و موثر و توزیع عادلانه دسترسی، خطرات، مزایا و ظرفیت‌ها مورد اشاره قرار می‌گیرد. به‌طور کلی، بُعد اجتماعی پایداری در مدیریت منابع طبیعی جزو کم‌توجه‌ترین ابعاد پایداری (Saunders et al., 2020)، به‌ویژه در محیط‌های دریایی و ساحلی (McKinley et al., 2020) است. با مرور ادبیات پژوهش، روشن می‌شود که پژوهش‌های فراوانی در مورد پایداری اجتماعی -

فرهنگی وجود دارد، چه پژوهش‌های ایرانی (Hoseinpour *et al.*, 2020; Zanganeh *et al.*, 2020;) و چه پژوهش‌های خارجی (Yaghoubi & Rezakhani, 2021; Rahimazanjani *et al.*, 2022; Mehan, 2016; Islam *et al.*, 2018; Bennett, 2019; Unhasuta *et al.*, 2021). ولی پژوهش‌های پیشین در مورد پایداری اجتماعی - فرهنگی در حوزه توسعه دریا محور سواحل مکران و قومیت بلوچ محدود بوده و می‌توان گفت که تاکنون پژوهشی در این خصوص در کشور ایران انجام نشده است، و دانش ما از این نوع پایداری بسیار اندک است. این در حالی است که بسیاری از پژوهشگران اذعان دارند که پایداری اجتماعی - فرهنگی با موفقیت طرح‌ها و برنامه‌های توسعه مرتبط است (Yaghoubi & Rezakhani, 2021; Rahimazanjani *et al.*, 2022).

برای بهبود محیط شهری، بهره‌گیری از تعلقات مردمی و توجه به تکثر قومیتی و فرهنگی در مدیریت پایدار ضروری است، زیرا محیط شهری که اکنون شکوفایی و تعالی انسانی را با خطر جدی مواجه ساخته و به ناپایداری اجتماعی در محدوده محله و سپس در نقاط دیگر شهری منجر گشته است، جلب مشارکت شهروندان از همه طبقات اجتماعی در اقدامات مربوط به احیای محله را ضروری می‌سازد که از سوی مسئولان و مدیران شهری باید مورد توجه قرار گیرد (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۷). پایداری اجتماعی و فرهنگی اشاره بر حفاظت و نگهداری روابط و مفاهیم اجتماعی دارد که عاملی جهت تقویت و تحکیم سیستم‌های فرهنگی است. همچنین، شامل حفظ و گسترش ارزش‌ها و روابط اجتماعی شهروندان در سطح شهرها می‌شود. در این راستا ناپایداری اجتماعی، به عنوان مانعی در تحقق سایر ابعاد توسعه پایدار شهری عمل می‌کند که می‌توان آن را پیامد گسترش بی‌رویه فضای شهرها، همراه با فقدان مدیریت مشارکتی و عدم توجه به نیازهای اجتماعی شهروندان تلقی نمود. نبود چنین فضاهایی به مفهوم نادیده گرفتن اهمیت تعامل اجتماعی به عنوان پیش‌نیاز همگرایی روابط شهروندان، تشکیل سرمایه‌های اجتماعی، مشارکت و نهایتاً پایداری اجتماعی به عنوان ضرورتی انکارناپذیر در تداوم حیات شهر سالم است (Nasr & Emadi, 2021). بنابراین، انجام این پژوهش می‌تواند تا حدودی شکاف موجود در این زمینه را برطرف نماید. بدین ترتیب، پژوهش حاضر دو سهم در ادبیات دارد: نخست، با توجه به این‌که در خصوص پایداری اجتماعی - فرهنگی ادبیات به نسبت فراوانی وجود دارد (Hoseinpour *et al.*, 2020; Zanganeh *et al.*, 2020; Murphy, 2012; Weingaertner & Moberg, 2014)، اما این مباحث در حوزه خاص سواحل مکران با ویژگی‌های منحصر به فرد قومی - مذهبی منطقه بسیار محدود است. همچنین، انجام این پژوهش می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی پایداری و عدم پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریا محور سواحل مکران را بررسی نماید و از طریق شناسایی پیامدهای

پایداری توسعه دریامحور سواحل مکران، به بهبود و ارتقای امر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی توسعه سواحل مکران کمک نماید. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف پاسخ به پرسش پیامدهای پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران کدام‌اند؟ انجام می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

پایداری اجتماعی

توسعه جهانی بیانگر توسعه بشر و افزایش رفاه انسانی است و توسعه پایدار به دنبال وحدت نسل‌های معاصر و آینده، نیازهای منطقه‌ای و جهانی، روندهای زمانی و مکانی، محیط و توسعه و کارایی و عدالت است (He *et al.*, 2018). به‌طور کلی، پایداری اجتماعی مفهومی چندبعدی است. این بُعد از پایداری با چندین موضوع اجتماعی مانند نابرابری، جابه‌جایی، و کیفیت پایین زیست‌پذیری سروکار دارد. از آن‌جا که این مفهوم شامل موضوعات مختلفی می‌شود و به حوزه‌های فلسفی، سیاسی و عملی تعلق دارد، بنابراین تعیین مرزهای آن و تعریف دقیق معنای پایداری اجتماعی پیچیده است (Marta & Giullia, 2020). پایداری اجتماعی که عموماً به عنوان حفظ یا بهبود رفاه مردم در این نسل و نسل‌های آینده تعریف می‌شود، مفهومی ذاتاً کثرت‌گرایانه است. این بدان معناست که در حالی که اهمیت مفهوم کلی را بپذیریم، طیف وسیعی از الگوهای عملیاتی‌سازی احتمالاً متضاد ممکن است با توجه به زمینه‌های خاص آن‌ها، هم‌وجه و هم‌از نظر تجربی درست باشند (Janssen *et al.*, 2021). با این حال، می‌توان هدف از پایداری اجتماعی را دسترسی یکسان یا بیش‌تری به منابع اجتماعی نسل‌های آینده نسبت به نسل کنونی دانست (Michael & Peacock, 2011). پایداری اجتماعی به مفهوم نگهداری و بهبودبخشی به سرمایه اجتماعی است، یعنی شکل‌دهی جوامع یکپارچه با منافع متقابل، دارای ارتباط و تعامل میان گروه‌های مردمی، جامعه‌ای دارای احساس ترحم، صبوری، قابلیت انعطاف و تابع عشق که گاه با سرمایه اخلاقی همراه می‌شود (Hosseini, 2014). بنا به نظر مک‌کنزی^۱ (۲۰۰۴)، توسعه پایدار اجتماعی، توسعه‌ای است که نیازهای اساسی به غذا، سرپناه، آموزش، شغل، درآمد، شرایط زندگی و فعالیت را تامین می‌کند؛ عدالت‌خواه باشد و این اطمینان را بدهد که منابع توسعه کاملاً در سراسر جهان به تساوی و منصفانه توزیع می‌شود؛ رفاه فیزیکی، ذهنی، اجتماعی جمعیت را ارتقا بدهد یا دست‌کم از بین ببرد؛ آموزش، خلاقیت و توسعه توان انسانی را برای کل جامعه ترویج

1. McKenzie

نماید؛ میراث فرهنگی و زیستی را حفظ کند و احساس ارتباط با تاریخ و محیط‌زیست را تقویت نماید؛ مردم‌سالارانه باشد و مشارکت و دخالت شهروندان را ترویج کند؛ شرایط زندگی را بهتر کند و بین طراحی شکل محل‌های عمومی شهر با رفاه اجتماعی کالبدی و شور و هیجان ساکنان شهر ارتباط برقرار نماید (Mckenzie, 2004). مورفی (۲۰۱۲)، چارچوب مفهومی دیگری برای درک واضحی از پایداری اجتماعی ارائه کرده است. این چارچوب بر اساس تقسیم چهار اصل پایداری اجتماعی یعنی انصاف، مشارکت، انسجام اجتماعی، و آگاهی عمومی است. اما به‌طور کلی می‌توان گفت پایداری اجتماعی در سطح محله، با اجزای اصلی آن یعنی کیفیت زندگی سنجیده می‌شود و مواردی مانند تامین شرایط بهتر زندگی همراه با توازن، هماهنگی، مطلوبیت و برابری عادلانه، امنیت، آسایش، نشاط، خلاقیت و زیبایی در آن لحاظ می‌شود (Tavana & Nourian, 2017).

پایداری فرهنگی

در تعریف پایداری فرهنگی در چارچوب مفهومی پیشنهادشده توسط انجمن علم و فناوری اروپا (Dessein et al., 2015)، فرهنگ به عنوان بخشی از توسعه پایدار و ابزاری برای دستیابی به آن در نظر گرفته می‌شود (Neira, 2018; Kangas et al., 2017; Errichiello & Micera, 2018; Wiktor-Mach, 2020). فرهنگ دیدگاه فرد را نسبت به محیط شکل می‌دهد و محیط طبیعی از نظر فرهنگی توسط «وابستگی‌های متقابل صمیمی» ساخته می‌شود (Boussaa, 2021). کاربردهای مفهوم پایداری فرهنگی در موضوعاتی نظیر میراث فرهنگی این واقعیت را برجسته می‌کند که میراث فرهنگی از مجموعه‌ای از سرمایه فرهنگی ملموس و ناملموس تشکیل شده است که توسط نسل‌های قبلی تثبیت شده و به نسل‌های آینده انتقال یافته است (Weaver, 2020) و بنابراین می‌توان آن را به عنوان منبعی از هویت مرتبط با حس محلی از مکان در نظر گرفت (Soini & Birkeland, 2014). رویکرد تنوع فرهنگی بر این موضوع متمرکز است که ارزش‌های فرهنگی متنوع، ادراکات و نگرش‌ها و همچنین جلوه‌های مادی مرکب از این ارزش‌ها باید در فعالیت‌های توسعه‌ای مورد توجه قرار گیرد و قویاً خواستار روش‌های برنامه‌ریزی مشارکتی و برنامه‌های آموزشی است (Soini & Birkeland, 2014). سایر رویکردهای پایداری فرهنگی که از محلیت حمایت می‌کنند، آشکارا بر اهمیت گنجاندن فضا، زمان و فرهنگ در ادراکات و حقوق فرهنگی جوامع محلی در توسعه محلی و مکان‌محور تاکید می‌کنند (Soini & Birkeland, 2014). پژوهش‌های مختلف در زمینه پایداری فرهنگی نشان داده است که این مفهوم باید چندبعدی و پویا در نظر گرفته شود. به عقیده کانگاس و همکاران (۲۰۱۷)، مفاهیم و چارچوب‌هایی که برای قرار

دادن فرهنگ در زمینه‌های پایداری تکامل یافته‌اند، چندرشته‌ای بودن، انعطاف‌پذیری قابل توجه، و کثرت رو به گسترش رویکردها را در طول زمان نشان داده‌اند. به عقیده نیرا (۲۰۱۸) پایداری فرهنگی، کارکرد فرهنگ سنتی و جدید است که در نتیجه فرایند خلاقانه مستمر و بیان آزاد فردی و جمعی تجلی می‌یابد و گذشته و حال را در فضای فیزیکی مصنوعی و طبیعی با هم پیوند می‌دهد و پویایی را ایجاد می‌کند که مشخص‌کننده راه‌حل مشکلات، شیوه‌های زندگی، هنر، دانش، میراث ملموس و ناملموس، به‌ویژه هویتی است که در کنار هم میراثی را تشکیل می‌دهند که انتظار می‌رود به نسل آینده انتقال یابد.

توسعه دریامحور

توسعه دریامحور را می‌توان چتری برای فعالیت‌های مختلف اقتصادی دانست که با رعایت قوانین و راهبردهای خاص، توسط شاخه گسترده‌ای از بخش‌های مختلف هدایت می‌شوند. این راهبردها از راهبردهای منطقه‌ای گرفته تا راهبردی و از بخشی (مانند مناطق مناسب برای انرژی باد) گرفته تا موارد اجتماعی‌تر مانند راهبردهای خاص برای محیط‌های ساحلی و مجمع‌الجزایر، با هم تفاوت دارند. توسعه دریامحور، با نام طرح‌های رشد دریایی به دنبال کنوانسیون اهداف توسعه پایدار سازمان ملل ریو ۲۰۳۰، توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. در حمایت از نشست اقتصادی که با عنوان توسعه دریامحور در ژانویه سال ۲۰۱۴ در امارات متحده عربی برگزار شد، سازمان ملل متحد برای روشن شدن این مفهوم، مقاله غیررسمی ۱۳ صفحه‌ای با عنوان «مفهوم توسعه دریامحور»^۱ را منتشر کرد. در این مقاله توسعه دریامحور به عنوان فضاهای توسعه مفهوم‌سازی شده است (UN, 2014). در اجلاس ریو ۲۰۳۰، در حوزه تعامل انسان با اقیانوس در موضوعات مختلف نظریات رایجی وجود داشت، از جمله اقیانوس به عنوان منبع تامین معیشت ماهیگیری سنتی، اقیانوس به عنوان تجارت خوب، اقیانوس به عنوان دارایی / سرمایه طبیعی، و اقیانوس به عنوان بخشی از جزایر کوچک ساحلی و کشورهای در حال توسعه اقیانوسی (Silver et al., 2015). امروزه مزیت‌ها و عواید حاصل از فعالیت‌های بندری به اندازه‌ای است که بیش‌تر کشورهایی که به دریا دسترسی دارند آن را راهی برای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی می‌دانند. از اهمیت این منبع خدادادی همین بس که بیش از ۹۰ درصد از حمل‌ونقل و تجارت کشورها از طریق دریا و کشتیرانی صورت می‌گیرد و زندگی میلیاردها انسان در جهان وابسته به دریا و کشتیرانی است. بدیهی است که بنادر باید توانایی ارائه خدمات و پاسخگویی به سرمایه‌گذاران و مشتریان را داشته باشند و از همه ظرفیت‌های صنعتی، اقتصادی و سیاسی برای تحقق این امر

1. <https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/2978BEconcept.pdf>

بهره گیرند. برای نیل به این اهداف، یک نگاه راهبردی وجود دارد و آن توسعه دریامحور است (امامی، ۱۳۹۱). رویکرد توسعه دریامحور مبتنی بر چشم‌انداز «زندگی بهتر و برابری اجتماعی و در عین حال کاهش خطرات زیست‌محیطی و کم و کاستی‌های زیست‌محیطی» است. توسعه دریامحور از اقدامات خاصی برای گسترش تعریف منابع اقیانوس برای تأیید فواید اساسی و حمایت از زندگی و خدمات ارائه‌شده توسط زیست‌بوم دریا و ساحل پشتیبانی می‌کند. این‌ها شامل خدمات زیست‌بوم است که استفاده، تنظیم، پشتیبانی و غنی‌سازی کاربردهای فرهنگی زیست‌بوم‌های ساحلی و دریایی را فراهم می‌کند. این خدمات زیست‌بوم با پایداری و رونق صنایع کلیدی در توسعه دریامحور مانند شیلات و آبی‌پرووری، منابع آب، ترابری و حمل‌ونقل، گردشگری، انرژی دریایی و مواد معدنی، منابع ژنتیکی و بیوفناوری و کاربردهای کنترل اساسی آلودگی پیوندی ناگسستگی دارند (UNEP, 2015).

پیامدهای پایداری اجتماعی - فرهنگی

پایداری اجتماعی به معنای آن است که نظام‌های بهره‌برداری در تعامل با محیط اجتماعی مورد پذیرش جامعه است و برای این منظور، نیازمند گسترش برابری، افزایش سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، گسترش مشارکت، کمک به فقرزدایی و بهبود کیفیت زندگی است. در این تعریف، مولفه‌هایی چون فرصت‌های برابر توأم با پیشرفت برای انسان‌ها، زندگی همراه با تعاون و همکاری، فرصت‌های برابر برای همگان در جهت ایفای نقش‌های اجتماعی، امنیت و توانایی کافی در امرار معاش، و ایمنی و استحکام سکونتگاه‌های انسانی در برابر مخاطرات طبیعی، مبنای سنجش پایداری اجتماعی است (سالمی و همکاران، ۱۳۹۰). از طرفی، حصول پایداری اجتماعی در گرو توجه به فرهنگ است. به نظر می‌رسد، تا زمانی که شاخص‌های فرهنگی شناسایی و اصلاح نشوند، پایداری اجتماعی حاصل نمی‌شود (جوان مجیدی و ذکاوتی اصل، ۱۳۹۴). یعنی هرگونه پیشرفت و توسعه در شاخص‌های اجتماعی مانند اعتماد اجتماعی، همبستگی اجتماعی، امنیت و احساس امنیت، و کیفیت زندگی بر مبنای فرهنگ جامعه شکل می‌گیرد. در جهان امروز، به سبب تحولات و پیشرفت‌های چشمگیری که در حوزه فناوری، ترابری و ارتباطات به وقوع پیوسته، اندک اندک عوامل محدودکننده رابطه و تعامل میان فرهنگ‌های مختلف از بین رفته، و پیوسته بر گستره روابط فرهنگی افزوده شده است (Alyyah, 2018).

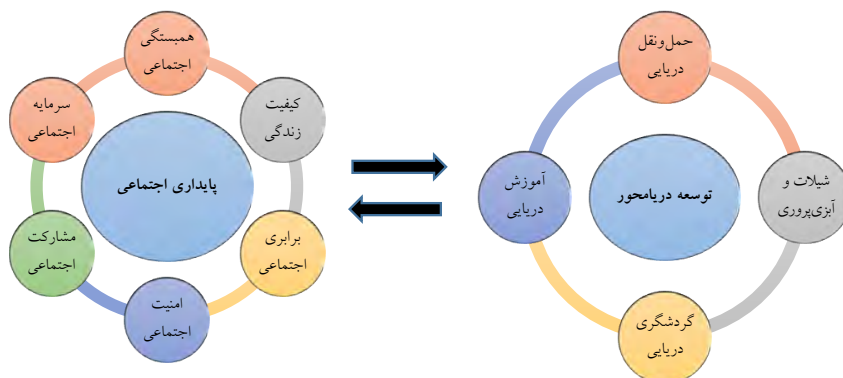
مهم‌ترین و مرتبط‌ترین مطالعات با پژوهش حاضر در جدول (۱) اشاره می‌شوند و قطعاً مطالعات دیگری که بخشی از آن‌ها مرتبط با موضوع پژوهش حاضر است، وجود دارند که اشاره به آن‌ها خارج از چارچوب این پژوهش است.

جدول ۱: خلاصه پژوهش‌های حوزه پایداری اجتماعی - فرهنگی

پیامدهای پایداری اجتماعی - فرهنگی	پژوهشگر(ان)
تساوی حقوق، افزایش بهبود کیفیت زندگی، افزایش امنیت اجتماعی، تعامل اجتماعی، عدالت اجتماعی، و مشارکت اجتماعی.	Razzaghi Asl & Khoshghadam (2017)
افزایش اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، و احساس امنیت.	Sheikhi et al. (2019)
افزایش سرمایه اجتماعی، رضایتمندی، عدالت فضایی، حس تعلق، مشارکت اجتماعی، و هویت.	Zanganeh et al. (2020)
افزایش عدالت اجتماعی، امنیت، مشارکت، و کیفیت زندگی.	Hoseinpour et al. (2020)
تقویت فرهنگی، افزایش تعامل و تجانس اجتماعی، و افزایش امنیت.	Yaghoubi & Rezakhani (2021)
افزایش مشارکت، امنیت، تاب‌آوری، و برابری.	Rahimanzajani et al. (2022)
افزایش سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی (عینی و ذهنی)، مشارکت محلی، ثبات جامعه، عدالت اجتماعی (درون و بین‌نسلی)، تقویت حس تعلق و حس مکان.	Weingaertner & Moberg (2014)
افزایش برابری اجتماعی، برآوردن نیازهای انسانی، بهبود کیفیت زندگی، افزایش انسجام اجتماعی، تقویت حس مکان، و هویت فرهنگی.	Mehan (2016)
افزایش امنیت، توانمندسازی مردم، افزایش سرمایه اجتماعی، و بهبود کیفیت زندگی.	Islam et al. (2018)
افزایش تاب‌آوری جامعه، افزایش رفاه انسانی و برابری اجتماعی، و حفظ ارزش‌های فرهنگی.	Bennett (2019)
تحقق زندگی استاندارد، افزایش همبستگی اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی، تقویت هویت، و حفظ میراث فرهنگی.	Unhasuta et al. (2021)

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به یافته‌های پژوهش در زمینه پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران، بر اساس مبانی نظری، مدل مفهومی پژوهش به شکل (۱) طراحی و تدوین شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است و راهبرد مورد استفاده در این پژوهش نظریه مفهوم‌سازی بنیادی است. گراند تئوری^۱ از جمله روش‌های استقرایی و اکتشافی محسوب می‌شود که ریشه در واقعیت دارد و برای حوادث به همان شکلی که رخ می‌دهند توضیحاتی ارائه می‌کند. این روش به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که به جای اتکا به نظریه‌های موجود و از پیش تدوین شده، خود برای تدوین نظریه و گزاره اقدام کند. این نظریه‌ها و گزاره‌ها به شکلی نظام‌مند بر اساس داده‌های واقعی تدوین می‌شوند (بازرگان، ۱۳۹۳). دلیل انتخاب روش‌شناسی کیفی در این پژوهش در درجه نخست، ماهیت موضوع مورد مطالعه یعنی طراحی مدل پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران است که در این پژوهش تنها به پیامدهای آن پرداخته است. همچنین، به دلیل عدم دسترسی به پژوهش‌های این زمینه، لزوم اتخاذ رویکردی اکتشافی در این پژوهش برای کشف ابعاد این پدیده بیش از پیش نمود می‌یابد. با توجه به این موارد، استفاده از یک روش‌شناسی کیفی که بتواند با اتخاذ رویکردی اکتشافی و توجه به تفسیرهای کنشگران، از لایه‌های پنهان این پدیده پرده بردارد، انتخابی عاقلانه به نظر می‌آید. بنابراین، پژوهش حاضر دارای رویکردی کیفی بوده و از روش نظریه داده‌بنیاد کوربین و اشتراوس^۲ (۲۰۰۸) استفاده کرده است.

1. Grounded Theory
2. Straus & Corbin

نمونه‌گیری نظری

جامعه آماری پژوهش حاضر به شرح **جدول (۲)**، استادان و پژوهشگران حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی سواحل مکران، افسران ارشد نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که دست‌کم مدت هشت‌سال در سواحل مکران حضور داشتند، مدیرانی که سابقه مسئولیت در اداره‌هایی همچون اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی؛ اداره صدا و سیما؛ اداره بنادر و دریانوردی؛ استانداری؛ فرمانداری؛ شهرداری؛ دبیرخانه توسعه سواحل مکران، و مشاورانی که در امر توسعه سواحل مکران فعالیت داشتند، تشکیل می‌دهند که در زمینه مورد مطالعه صاحب‌نظر هستند.

جدول ۲: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

تحصیلات	سمت	بومی / سابقه زیستی غیربومی در منطقه
دکتری	عضو دبیرخانه ستاد توسعه سواحل مکران	غیربومی -
دکتری	مدرس دانشگاه در زمینه دریا	غیربومی -
دکتری	مشاور مقامات استانی در امور توسعه سواحل مکران	بومی
کارشناسی ارشد	از مقامات استانی در حوزه شیلات	بومی
کارشناسی ارشد	از مقامات سابق استانی و مشاور کنونی مقامات استانی	غیربومی ۶ سال
کارشناسی ارشد	عضو دبیرخانه ستاد توسعه سواحل مکران	غیربومی -
دکتری	استاد دانشگاه و از مقامات استانی	بومی
دکتری	مشاور مقامات استانی	غیربومی
دکتری	استاد دانشگاه گروه جامعه‌شناسی	بومی
دکتری	مشاور مقامات استانی در امور توسعه سواحل مکران	بومی
سطح ۴ حوزوی	فعال فرهنگی و اجتماعی و عضو گروه‌های جهادی	غیربومی -
کارشناسی ارشد	ناخدای نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران	غیربومی ۶ سال چابهار
کارشناسی ارشد	ناخدای نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران	غیربومی ۱۰ سال کنارک
کارشناسی ارشد	از مقامات استانی در حوزه بنادر و دریانوردی	بومی
کارشناسی ارشد	ناخدای نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران	غیربومی ۷ سال چابهار
دکتری	از مقامات سابق استانی در حوزه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری	بومی
دکتری	ناخدای نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران	غیربومی ۹ سال چابهار
دکتری	مشاور مقامات استانی	بومی

جمع آوری داده

ابزار اصلی مورد استفاده در این پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختارمند است. جامعه آماری این پژوهش شامل خبرگانی است که از یک‌سو دانش کافی و از سوی دیگر تجربه عملی و آشنایی لازم با مباحث پایداری اجتماعی - فرهنگی و توسعه دریامحور سواحل مکران داشته باشند. در ابتدای هر مصاحبه، توضیحاتی در خصوص موضوع مورد نظر داده می‌شد و پس از اطمینان از روشن بودن موضوع برای خبره مورد نظر، پرسش‌ها به شرح **جدول (۳)** پرسیده شده است. پس از هر مصاحبه، بر اساس روش نمونه‌گیری نظری گلوله‌برفی، از مصاحبه‌شونده خواسته می‌شود افرادی را معرفی کنند که از نظر آن‌ها اشراف کامل به موضوع دارند و سپس سابقه علمی و تجربی افراد بررسی و مصاحبه با آن‌ها ترتیب داده می‌شد. در این پژوهش با ۱۸ خبره مصاحبه نیمه‌ساختارمند انجام شد که از مصاحبه ۱۵ به بعد، تکرار در اطلاعات مشاهده شد (اشباع نظری)، اما برای اطمینان، انجام مصاحبه‌ها تا هجدهمین خبره ادامه یافت. مدت زمان هر مصاحبه به‌طور متوسط یک ساعت بود. تمام مصاحبه‌ها برای استخراج کدهای اولیه روی کاغذ پیاده شد. از آنجایی که در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از روش نظریه برخاسته از داده‌ها استفاده شده است، ابتدا متن هر مصاحبه بررسی شده است و با توجه به هر جمله اساسی درون متن، نکته‌های کلیدی در مصاحبه برای کدگذاری باز، مفهوم‌سازی، و مقوله‌بندی استخراج شده‌اند. در این پژوهش، تنها به پیامدهای پایداری اجتماعی - فرهنگی از پژوهش اصلی، یعنی طراحی مدل پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران پرداخته شده است.

جدول ۳: راهنمای مصاحبه نیمه‌ساختارمند نظم‌دهی و تحلیل داده‌ها

پرسش‌های اصلی	پرسش‌های فرعی
پیامدهای پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران کدام‌اند؟	۱. خط‌مشی‌گذاران دولتی چه اهدافی را برای تعمیق پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران دنبال می‌کنند؟ ۲. دولت چه سیاست‌ها و راهبردهایی را برای تحقق اهداف پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران انتخاب کرده است؟

کدگذاری اساس فرایند تحلیلی در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است. در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد از سه نوع کدگذاری استفاده می‌شود: کدگذاری باز، کدگذاری محوری، و کدگذاری انتخابی.

کدگذاری باز

کدگذاری باز در طی مرور داده‌های جمع‌آوری شده انجام می‌شود. از نظر اشتراوس و کوربین (۱۳۸۷)، کدگذاری باز بخشی از تحلیل است که به‌طور مشخص به نامگذاری و مقوله‌بندی پدیده از طریق بررسی دقیق داده‌ها مربوط می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که کدگذاری باز شامل خرد کردن، مقایسه کردن، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی داده‌هاست (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶). در این پژوهش، ابتدا کلیه مصاحبه‌ها به شکل کامل و بدون انحراف به شکل نوشتار تهیه شد و روی کاغذ پیاده گشت. پس از آن با کدگذاری، کلیه عبارات از مجموع ۱۸ مصاحبه صورت‌پذیرفته، ۹۳۹ عبارت استخراج شد. با حذف تمامی عبارات نامربوط از فرایند کدگذاری، ۵۳۲ کد اولیه در اختیار قرار گرفت. با توجه به این که مفاهیم متنوعی از داده‌ها استخراج شده بود و دسته‌بندی آن‌ها در تعداد قابل‌بررسی ممکن نبود، کدگذاری باز در سطح مفاهیم برای بار دوم به انجام رسید. در این مرحله، پژوهشگر به ۹۴ مفهوم ثانویه دست یافت و در مرحله آخر از مجموع مفاهیم ثانویه ۳۸ مقوله به شرح جدول (۴) استخراج شد.

جدول ۴: تعداد کدهای اولیه، ثانویه، مفاهیم و مقولات

عبارت	کد اولیه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	مقوله
۹۳۹	۵۳۲	۳۴۶	۹۴	۳۸

نمونه‌ای از کدهای باز، مفاهیم اولیه، و مقوله‌ها به شرح جدول (۵) آمده است. این مصاحبه ناظر بر شناسایی مولفه‌های پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران بود که در مصاحبه با نفر اول شناسایی شد.

جدول ۵: کدهای باز، مفاهیم، و مقوله‌ها از مصاحبه با نفر اول

نکته‌های کلیدی	کد	کدگذاری باز	مفاهیم	مقوله
دنبال کردن منابع در مرکز کشور و در ۱- خشکی محور بودن نبود جامع‌نگری در خشکی توسط نظام برنامه‌ریزی کشور ۱ نظام برنامه‌ریزی کشور برنامه‌های توسعه	۱	خشکی محور بودن	مفهوم ثانویه	موانع حاکمیتی
عدم تمایل به استفاده مناسب از منابع ۲- مغفول ماندن توسعه دریامحور ۱ دریا و مغفول ماندن توسعه دریامحور ۱ در نظام برنامه‌ریزی کشور	۲	مغفول ماندن توسعه دریامحور	مغفول ماندن ظرفیت‌های منطقه	مغفول ماندن ظرفیت‌ها و عقب‌ماندگی تاریخی منطقه

ادامه جدول ۵: کدهای باز، مفاهیم، و مقوله‌ها از مصاحبه با نفر اول

مقوله	مفاهیم	کدگذاری باز	کد	نکته‌های کلیدی
موانع مدیریتی	دیدگاه‌های ناقص مدیران دولتی به توسعه منطقه	خط‌کشی ارزشی و مذهبی در نظام اجرایی	۳- ۱	وجود خط‌کشی‌های ارزشی و مذهبی در بدنه نظام اجرایی
موانع مدیریتی	دیدگاه‌های ناقص مدیران دولتی به توسعه منطقه	مدیریت سلیقه‌ای و ناعادلانه	۴- ۱	اعمال مدیریت سلیقه‌ای و ناعادلانه در رسیدگی به مسائل مثلاً شیعه و سنی در منطقه
پیامدهای بی‌توجهی به نهایت به تشدید محرومیت می‌شود.	تشدید بی‌عدالتی، محرومیت و احساس طردشدگی پایدار اجتماعی - فرهنگ محلی	تشدید محرومیت با اعمال مدیریت سلیقه‌ای	۵- ۱	خط‌کشی‌های ارزشی و مذهبی در بدنه اجرایی باعث بی‌توجهی و در نهایت به تشدید محرومیت منجر می‌شود.
موانع فرهنگی جامعه محلی	ضعف مطالبه‌گری و توسعه‌خواهی مردم محلی	قانع بودن مردم بلوچ	۶- ۱	مردم بلوچ اساساً مردم بسیار قانعی هستند.
موانع فرهنگی جامعه محلی	ضعف مطالبه‌گری و توسعه‌خواهی مردم محلی	توسعه‌خواه نبودن مردم محلی	۷- ۱	قناعت بیش از حد و عدم مطالبه‌گری جامعه محلی مانعی در برابر توسعه‌خواهی است.
عوامل علی‌کاهنده - فرهنگ محلی	نقش‌آفرینی گروه‌های مرجع محلی در منفی‌سازی پایدار اجتماعی - نگرش جامعه محلی به اهداف توسعه	تزییق نگاه بدبینانه توسط گروه‌های مرجع محلی	۸- ۱	تزییق نگاه بدبینانه توسط برخی از مراجع محلی مغرض و متاثر از تبلیغات کشورهای منطقه در جامعه محلی

کدگذاری محوری

کدگذاری محوری دومین مرحله از روش گراند تئوری است که نیاز به تمرکز بیش‌تری دارد. کدگذاری محوری فرایند مرتبط کردن گروه‌ها به زیرگروه‌هایشان است و به این دلیل محوری نامیده می‌شود که کدگذاری حول یک گروه، با مرتبط کردن گروه‌ها از نظر مشخصات و ابعاد انجام می‌شود. در این مرحله، پژوهشگر یکی از مقوله‌ها را به عنوان مقوله محوری انتخاب می‌کند و آن را تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرایند مورد کاوش قرار می‌دهد و ارتباط سایر مقوله‌ها را با آن مشخص می‌کند (Corbin & Strauss, 2008). در این مرحله، داده‌هایی که در فرایند کدگذاری باز شکسته شده بودند، دوباره گردآوری می‌شوند تا تبیین دقیق‌تری از پدیده ارائه شود. برای این

منظور، مقولات و روابط میان آن‌ها با استفاده از الگوی کدگذاری محوری و در قالب پدیده محوری، شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، و پیامدها طبقه‌بندی می‌شوند. مقوله محوری، مرکز فرایند در حال بررسی است که سایر مقوله‌ها به آن ربط داده می‌شود. شرایط علی، مقوله‌هایی هستند که نسبت به پدیده محوری مقدم هستند و بر آن اثر می‌گذارند. شرایط زمینه‌ای، شرایط خاصی است که بر راهبردها اثر می‌گذارند و آن‌ها را تسهیل یا محدود و مقید می‌سازند. راهبردها، کنش‌ها یا تعاملاتی هستند که برای اداره پدیده محوری اعمال می‌شوند و پیامدها حاصل این کنش‌ها و تعاملات هستند (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶). شرایط علی باعث ایجاد و توسعه پدیده یا طبقه محوری می‌شوند. راهبردها بیانگر رفتارها، فعالیت‌ها و تعاملات هدفداری هستند که تابع مقوله محوری و تحت تاثیر شرایط مداخله‌گر و زمینه حاکم است. شرایط زمینه‌ای به شرایط خاصی که بر کنش‌ها و تعاملات اثر می‌گذارند گفته می‌شود. شرایط مداخله‌گر شرایط عامی هستند که مجموعه‌ای از متغیرهای میانجی و واسط را تشکیل می‌دهند و راهبردها هم از آن‌ها متأثر می‌شوند. برخی از طبقه‌ها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آیند (Roshandel Arbatani & Jafari Zoj, 2015).

کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی سومین مرحله از روش گراندد تئوری است. این مرحله پالایش تئوری است. کدگذاری انتخابی مرحله اصلی نظریه‌پردازی است (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۷). در واقع، فرایند یکپارچه‌سازی و پالایش نظریه از راه کدگذاری انتخابی رخ می‌دهد. یکایک اجزای پارادایم کدگذاری تشریح، سیر داستان ترسیم، و نظریه ایجاد می‌شود (Saadat Gharehbagh et al., 2019). پژوهش حاضر با توجه به پرسش و هدف خود، تنها به پیامدهای پژوهش اصلی، یعنی طراحی مدل پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران پرداخته است.

ارزیابی اتکاپذیری یافته‌ها

طراحی روش‌شناسی و طرح پژوهش به‌نحوی است که بتوان داده‌ها و تفسیرهای مناسب و موثقی برای پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران ارائه داد. به همین جهت، جدول (۶) خلاصه‌ای از معیارهای سنجش کفایت فرایند پژوهش و کیفیت داده‌ها و تفسیرها را نشان می‌دهد. به تبعیت از صاحب‌نظران پژوهش‌های کیفی (Lincoln et al., 1985):

برای (Glaser & Strauss, 2017; Charmaz, 2006; Kovalainen & Eriksson, 2015)، برای ارزیابی قابل اتکا بودن داده‌ها و تفسیرها، ترکیبی از معیارهای مورد استفاده در ارزیابی پژوهش‌های تفسیری و مبتنی بر روش‌شناسی نظریه برخاسته از داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. در این زمینه، معیارهای لینکلن و همکاران (۱۹۸۵) شامل اعتمادپذیری، انتقال‌پذیری، اتکاپذیری، و تصدیق‌پذیری؛ معیارهای چارمز (۲۰۰۶) شامل اعتمادپذیری، اصیل بودن، بازآوایی، و مفید بودن؛ و سرانجام معیارهای اولیه نظریه برخاسته از داده‌ها (Glaser & Strauss, 2017) شامل مناسب بودن، عملی بودن، مرتبط بودن، و تعدیل‌پذیری از شهرت بیش‌تری برخوردارند.

جدول ۶: ارزیابی کیفیت یافته‌های پژوهش

معیار	شرح
اعتمادپذیری: درجهٔ تطبیق یافته‌های پژوهش با داده‌های پژوهش	<p>(۱) بررسی چندین باره پرسش‌های مصاحبه به منظور شفاف بودن پرسش‌ها؛ (۲) ارسال خلاصه‌ای از طرح پژوهش به منظور آماده بودن ذهن مصاحبه‌شونده؛ (۳) دقت پژوهشگر و چندین بار بررسی کدهای اخذشده از مصاحبه‌ها؛ (۴) گردآوری اطلاعات کافی با رعایت اشباع نظری؛ و (۵) بررسی و پالایش نظریه صورت‌بندی‌شده با چند نفر از خبرگان.</p>
انتقال‌پذیری: درجهٔ کاربرد یافته‌های پژوهش در دیگر موقعیت‌های مشابه	<p>(۱) نمونه‌گیری نظری و هدفمند؛ (۲) اطلاعات ارائه‌شده در مورد پدیده تحت مطالعه از کفایت لازم برای ارزیابی امکان انتقال یافته‌ها به موقعیت‌های مشابه برخوردار است؛ و (۳) مفاهیم نظری ارائه‌شده از داده‌های حاصل از تمامی مصاحبه‌شوندگان این پژوهش استخراج شد.</p>
اتکاپذیری: درجهٔ ثبات و پایداری تبیین‌های صورت‌گرفته در طول زمان	<p>(۱) کسب تجربیات جاری و پیشین خبرگان در مورد موضوع پژوهش؛ (۲) رعایت ابزارهای روش‌شناختی در طول پژوهش؛ و (۳) مستندسازی جامع مصاحبه‌ها از طریق پیاده‌سازی در نرم‌افزار Word.</p>
تصدیق‌پذیری: درجهٔ عینیت‌گرایی پژوهش و اجتناب از تورش و پیش‌داوری	<p>(۱) باز بودن مصاحبه‌ها و اختصاص زمان کافی به آن‌ها از ماهیت پیچیده پدیده مورد مطالعه؛ (۲) تطبیق یافته‌ها با مبانی نظری و روش‌شناسی پژوهش کیفی؛ و (۳) انجام مصاحبه‌ها به صورت حرفه‌ای، بی‌نام و در فضایی دوستانه.</p>
مفید بودن: جنبه‌های عملی نتایج پژوهش	<p>(۱) قابلیت کاربرد یافته‌ها در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای؛ و (۲) سهم علمی یافته‌ها در تدوین مدل بومی.</p>
اصیل بودن: تعدیل‌پذیری	<p>(۱) جدید بودن برخی از مفاهیم به‌دست‌آمده؛ و (۲) معنادار بودن یافته‌ها در شرایط ایرانی.</p> <p>یافته‌های به‌دست‌آمده از ظرفیت لازم برای اصلاح و تعدیل در طول زمان مبتنی بر یافته‌های جدید برخوردار است.</p>

یافته‌های پژوهش

در مصاحبه‌های انجام‌شده با خبرگان سعی شد پیامدهای پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران به دست آید. از نظر خبرگان، افزایش مشارکت جامعه محلی در توسعه دریامحور سواحل مکران پیامدهایی همچون توسعه اجتماعی در جامعه محلی، ارتقای سطح اعتماد در جامعه محلی، ارتقای هوش فرهنگی جامعه محلی، ثبات و پایداری امنیت، کاهش و تعدیل خشونت قومی - محلی، و کاهش مشارکت جامعه محلی در توسعه دریامحور سواحل مکران پیامدهایی همچون تشدید بی‌عدالتی، محرومیت و احساس طردشدگی، افزایش ناامنی و بی‌ثباتی، تشدید نارضایتی، بدبینی و بی‌اعتمادی را به دنبال دارد.

نتایج حاصل از کدگذاری باز و محوری

مقوله‌های به دست آمده از نتایج مصاحبه با خبرگان در جدول (۷) منعکس شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، اتفاق نظر قابل ملاحظه‌ای در خصوص مقوله‌های به دست آمده دیده می‌شود.

جدول ۷: ماتریس کیفی مقوله‌ها

کد خبره / مقوله‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	
توسعه اجتماعی در جامعه محلی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
ارتقای سطح اعتماد جامعه محلی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
ارتقای هوش فرهنگی جامعه محلی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
ثبات و پایداری امنیت	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
کاهش و تعدیل خشونت قومی - محلی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
تشدید بی‌عدالتی، محرومیت و احساس طردشدگی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
افزایش ناامنی و بی‌ثباتی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی - فرهنگی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
تشدید مهاجرت از روستاها و شهرهای کم‌برخوردار به سمت شهرهای برخوردار	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
تشدید نارضایتی، بدبینی و بی‌اعتمادی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*

با در نظر گرفتن چارچوب اشتراوس و کوربین (۱۳۸۷)، و با توجه به پرسش و هدف پژوهش حاضر، پژوهشگران تنها بر مقولات و مفاهیم مرتبط با پیامدهای پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران متمرکز شده‌اند. به همین منظور، پیامدهای پایداری اجتماعی - فرهنگی و پیامدهای عدم پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران در جدول‌های (۸) و (۹) منعکس شده است.

جدول ۸: مقوله اصلی و مفاهیم کلیدی پیامدهای پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران

ردیف	مفاهیم کلیدی	مقولات اصلی
۱	افزایش مهارت زنان محلی برای مشارکت در توسعه دریامحور، ارتقای سطح مهارت زنان محلی برای تصدی سمت‌های اجرایی دریایی، ارتقای توانایی جامعه محلی برای همراهی و مشارکت در توسعه دریامحور، افزایش نیروهای ماهر محلی در امور دریامحور، افزایش توان مشارکت جامعه محلی در مسئله‌یابی، ارائه راهکار و اجرای طرح‌های دریایی، افزایش توان مهارتی جامعه محلی برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد دریایی، توسعه و بارگذاری مطلوب جمعیتی با توسعه بنادر منطقه، توسعه گردشگری دریایی و ساحلی با هدایت مسافران نوروزی به منطقه.	توسعه اجتماعی در جامعه محلی با افزایش مشارکت در توسعه دریامحور
۲	افزایش احساس اعتماد و آرامش با بهبود معیشت مردم از طریق توسعه صنایع دریایی، افزایش وحدت در عین کثرت فرهنگی در سایه پایداری اجتماعی ارتقای سطح اعتماد - فرهنگی، افزایش وحدت و برادری بین بومیان و غیربومیان با همکاری در جامعه محلی با طرح‌های توسعه دریایی، تقویت همسویی، اعتماد و آرامش در جامعه محلی افزایش مشارکت در با رفع سوء تفاهم‌های موجود، بازگشت اعتماد به کارآمدی نظام تدبیر کشور، توسعه دریامحور تقویت اعتماد و همراهی جامعه محلی با مشارکت در منافع توسعه دریامحور.	ثبات و پایداری امنیت با افزایش مشارکت جامعه
۳	افزایش تبادل و تعامل بین فرهنگی با رونق گردشگری دریایی و ساحلی، افزایش ارتقای هوش فرهنگی شناخت فرهنگی با بکارگیری تلفیقی متخصصان دریایی بومی و غیربومی، افزایش شناخت و تجربه با تلفیق نیروی کار متخصص دریایی بومی و غیربومی، ارتقای افزایش مشارکت در فرهنگ عمومی و ملی با اتکا بر ظرفیت‌های فرهنگی منطقه.	توسعه دریامحور
۴	ایجاد ثبات اجتماعی با توسعه دریامحور منطقه، جلوگیری از فرار جوانان منطقه از کشور با اشتغال‌زایی بهینه دریایی، ایجاد امنیت روانی در مردم منطقه با رونق گردشگری دریایی و ساحلی، ایجاد امنیت سیاسی با رونق گردشگری ساحلی و دریایی، حفظ امنیت با مشارکت ذی‌نفعان محلی در منافع توسعه دریامحور، تضمین امنیت ملی با استفاده از فرصت‌های دریایی منطقه‌ای و جهانی در منطقه.	محلّی در توسعه دریامحور
۵	تعدیل خشونت از طریق برقراری ارتباط مسالمت‌آمیز میان شیعه و سنی، کاهش و تعدیل خشونت با اطلاع‌رسانی فرصت‌ها و تهدیدهای توسعه صنایع دریایی، خشونت قومی - محلی تعدیل خشونت از طریق ایجاد زیرساخت‌های دریایی، و مشارکت و افزایش با افزایش مشارکت در تبادل و تعامل فرهنگی بومیان با غیربومیان.	توسعه دریامحور

جدول ۹: مقوله اصلی و مفاهیم کلیدی پیامدهای عدم پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور

سواحل مکران

ردیف	مفاهیم کلیدی	مقولات اصلی
۱	تشدید محرومیت با اعمال مدیریت سلیقه‌ای و ناکارآمد، افزایش قابل توجه تعداد زنان سرپرست خانوار به دلیل اعتیاد و بیکاری مردان، ایجاد احساس طردشدگی در جامعه محلی با واگذاری زمین به غیربومیان، تداوم درد و رنج و نارضایتی صیادان برای تردد به دریا با لایروبی نشدن بنادر، تشدید بی‌عدالتی فضایی و نابرابری‌های منطقه‌ای حاصل از نبود تعادل در سازمان فضایی توسعه.	تشدید بی‌عدالتی، محرومیت و احساس طردشدگی با کاهش مشارکت محلیان در توسعه دریامحور
۲	تشدید ناامنی اجتماعی - فرهنگی با ورود نیروی کار از بیرون از منطقه، تشدید ناپایداری اجتماعی در منطقه بدون اقدام اقتصاد دریامحور، افزایش احساس عدم امنیت در جامعه محلی با افزایش نظامی‌گری در منطقه، تهدید پایداری اجتماعی و فرهنگی سواحل مکران با مرزهای نامن، موضع‌گیری نخبگان معتمد محلی در برابر شائبه تغییر در ترکیب جمعیتی، مستاصل شدن و گارد گرفتن جامعه محلی در برابر توسعه، افزایش بزهکاری ناشی از افراد بدون شناسنامه و هویت، افزایش خطر پیوستن جوانان به گروهک‌های معاند در اثر بیکاری، تشدید تمایل جوانان به انجام اقدامات تروریستی.	افزایش ناامنی و بی‌ثباتی با کاهش مشارکت محلیان در توسعه دریامحور
۳	هجوم مردم برای یافتن کار به حاشیه شهرها، تشدید تعارضات اجتماعی و فرهنگی بین جامعه میزبان و مهاجران، گسترش معضلات اجتماعی ناشی از عدم سرمایه‌گذاری دولت در توسعه فرهنگی، بغرنج‌تر شدن مسائل مذهبی در منطقه، تشدید احساس عقده به دلیل وجود فقر و فاصله طبقاتی زیاد.	افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی - فرهنگی با کاهش مشارکت محلیان در توسعه دریامحور
۴	افزایش میزان مهاجرت درون و برون‌استانی به دلیل فقر افزایش میزان مهاجرت روستایی به امید یافتن کار، تشدید مهاجرت بین‌شهری به دلیل اشباع شغلی و نبود بازار مناسب، تشدید مهاجرت بین‌شهری به دلیل اشباع شغلی و نبود بازار مناسب، افزایش میزان مهاجرت روستایی به دلیل خشکسالی، تشدید مهاجرت روستایی به دلیل عدم توان مالی در تامین هزینه‌ها.	تشدید مهاجرت از روستاها و شهرهای کم‌برخوردار به سمت شهرهای برخوردار
۵	افزایش نارضایتی در مردم محلی با ورود نیروی کار از بیرون از منطقه، افزایش حساسیت در جامعه محلی با سیاست بارگذاری جمعیت در منطقه، تشدید بدبینی در جامعه محلی با سیاست بارگذاری جمعیت در منطقه، افزایش بی‌اعتمادی در جامعه محلی بدون اقدام اقتصادی، تشدید جو منفی همگانی در برابر شائبه تغییر در ترکیب جمعیتی، اعتراض جامعه محلی در برابر تضاد موجود در واگذاری زمین به غیربومیان، بغرنج‌تر شدن مسائل مذهبی در منطقه، تشدید احساس عقده به دلیل وجود فقر و فاصله طبقاتی زیاد.	تشدید نارضایتی، بدبینی و بی‌اعتمادی با کاهش مشارکت محلیان در توسعه دریامحور

بحث و نتیجه گیری

در مجموع در مطالعات قبلی، پژوهشی در خصوص پیامدهای منفی عدم پایداری اجتماعی - فرهنگی انجام نشده است، در حالی که در این پژوهش پیامدهای عدم پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران، تشدید بی عدالتی، محرومیت و احساس طردشدگی، افزایش ناامنی و بی ثباتی، و تشدید نارضایتی، بدبینی و بی اعتمادی معرفی شده است. همچنین، مطالعات پیشین داخلی مانند حسینپور و همکاران (۲۰۲۰)، زنگنه و همکاران (۲۰۲۰)، رحیما زنجانی و همکاران (۲۰۲۲) و خارجی مانند مهان (۲۰۱۶)، اسلام و همکاران (۲۰۱۸)، بنت (۲۰۱۹) و آنهاسوتا و همکاران (۲۰۲۱) پیامدهای اجتماعی - فرهنگی را افزایش رفاه یا برابری اجتماعی، افزایش مشارکت اجتماعی، افزایش اعتماد اجتماعی، افزایش همبستگی اجتماعی، تقویت هویت فرهنگی، افزایش امنیت اجتماعی، افزایش رضایتمندی، و افزایش سرمایه اجتماعی معرفی کرده اند، در حالی که نتایج این پژوهش نشانگر آن است که پیامدهای پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران شامل توسعه اجتماعی، کاهش و تعدیل خشونت های قومی - محلی، ارتقای هوش فرهنگی و پیامدهای عدم پایداری اجتماعی - فرهنگی شامل افزایش ناهنجاری های اجتماعی - فرهنگی، تشدید مهاجرت از روستاها و شهرهای کم برخوردار به سمت شهرهای برخوردار و تشدید نارضایتی، بدبینی و بی اعتمادی در جامعه محلی است.

بنابراین، با مرور یافته های این پژوهش و تبیین آن بر اساس نظریه های موجود باید اذعان داشت که رسیدن به مراحل مختلف پیشرفت و توسعه در قلمروهای اقتصادی همیشه جزو اهداف آرمان های ملی و مردمی و دغدغه همیشگی رهبران در اغلب کشورها بوده است. اغلب کشورهای در حال توسعه در وضعیت اقتصادی به شدت آسیب پذیری قرار دارند و در انتخاب راهبرد مناسب توسعه دچار سردرگمی و در اتخاذ سیاست ها و اجرای برنامه ها با تضاد و تناقض روبه رو هستند. در همین راستا کشور ایران نیز، علی رغم تمایل به تلاش و برنامه ریزی برای تحقق اهداف توسعه، به موفقیت چندانی دست پیدا نکرده و ذهنیتی مکانیکی و به تعبیر سن^۱ «رویکردی مهندسی محور» بر حوزه برنامه ریزی توسعه در ایران حاکم بوده است. بر اساس این رویکرد، توسعه در مجموعه ای از پروژه های زیربنایی و صنعتی و بتونستی خلاصه گردیده و دغدغه اصلی مسئولان، تامین مالی و بودجه های ریالی و ارزی این پروژه ها بوده است و در راهبری اقتصاد کشور، عمدتاً به انجام تغییر در سیاست های اقتصادی بسنده شده و انجام تغییرات بنیادی در مبانی فکری، ارزش ها و

1. Amartya Sen (1933-)

باورها، پارادایم‌ها و نهادها مورد غفلت و کم‌توجهی واقع شده است. توسعه متفاوت از رشد و بسیار وسیع‌تر و عمیق‌تر از آن است. توسعه فراتر از تحولات مادی و فنی صرف است و بهبود در روابط انسان‌ها و حتی توسعه ارزش‌های اصیل انسانی را نیز در بر دارد. باید توجه داشت که ورود به مسیر توسعه، مستلزم اصول اولیه و پیش‌نیازهای ارزشی و نهادی است که در غالب مدل‌ها و راهبردهای رایج توسعه به آن‌ها پرداخته نمی‌شود (متوسلی، ۱۳۹۳). به‌طور کلی، بین نظام ارزش‌ها و توسعه درهم‌تنیدگی وجود دارد، زیرا بحث از رفاه دربردارنده بحث از ارزش‌ها نیز است. تغییر در کیفیت انسان‌ها و ساختار انگیزشی جامعه و تغییر در دانش بشر بدون تاثیرپذیری از مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورها و نظام اعتقادی افراد قابل‌تصور نیست. هر مکتب فکری متناسب با نظام باورها و مواضع فکری و فلسفی و عقیدتی و از زاویه جهان‌بینی و ایدئولوژی خاص خود به مبحث تغییر و تحول می‌پردازد و به این تغییرات و تحولات متناسب با آن باورها و ارزش‌ها سمت و سو می‌بخشد (Momeni et al., 2020). ارزش‌ها، آداب و رسوم، هنجارها و ترجیحات افراد اگر درست و متناسب با بستر فکری و عقیدتی هر جامعه‌ای تبیین نشانه‌شناختی شوند، می‌تواند فهم ماجرای توسعه را تسریع و تصحیح بخشد و از تناقضاتی که حاصل تقلید صرف از تجارب توسعه جوامع دیگر است و گاه نه‌تنها موجب توسعه نمی‌شوند، بلکه توسعه‌نیافتگی را تداوم می‌بخشند، جلوگیری کند، زیرا به هر میزان که ارزش‌های دینی، فرهنگی، و اخلاقی در یک جامعه تقویت شود رفتار افراد آن جامعه پیش‌بینی‌پذیرتر می‌شود، چرا که موجب می‌شود آن‌ها در چارچوب قواعد خاصی رفتار کنند. پس قابلیت اعتماد افراد بیش‌تر می‌شود و مناسبات اجتماعی روان‌تر و کم‌هزینه‌تر صورت می‌پذیرد و توسعه شکل می‌گیرد (زنانی و مویدفر، ۱۳۹۱). در سطح غیرفردی نیز نهادها با کمک تجارب برگرفته از محیط زبانی، فرهنگی و اجتماعی، نااطمینان‌هایی را که پیش‌روی انتخاب‌های بشری قرار دارند، کاهش می‌دهند و به این ترتیب راه توسعه را هموار می‌سازند (Momeni et al., 2020).

از نظر خبرگان، پایداری اجتماعی - فرهنگی در توسعه پیامدهایی نظیر توسعه اجتماعی در جامعه محلی از طریق آموزش، توانمندسازی، مهارت‌افزایی و توسعه بخش‌های دریایی که به‌طور مستقیم بر معیشت مردم اثرگذارند، خواهد داشت. همچنین با افزایش سطح آگاهی، ارتقای تعامل فرهنگی و افزایش هوش فرهنگی جامعه محلی، میزان اعتماد اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح برای مشارکت مردم در منافع حاصل از توسعه و مشاهده اثرات آن بر معیشت جامعه محلی، بر میزان رضایتمندی مردم افزوده می‌شود و از میزان تعارضات، خشونت، نارضایتی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی کاسته می‌شود که این امر در نهایت باعث ایجاد ثبات اجتماعی و امنیت پایدار در منطقه می‌شود. خبرگان پژوهش معتقدند که احساس

تبعیض یا نابرابری نسبی میان اقوام و اقلیت‌های مذهبی در ابعاد مختلف، از مهم‌ترین عوامل بروز کشمکش‌هاست. بی‌توجهی به نقش جامعه محلی به عنوان ذی‌نفعان اصلی و فراهم نمودن شرایط مشارکت مطلوب آنان در امور توسعه، باعث می‌شود که جامعه محلی به دلیل عدم احساس اثرات و منافع توسعه بر معیشت و رفاه خود، نسبت به توسعه بدبین شود و در مقابل آن قرار گیرد و توسعه‌ای که باید باعث تقویت همبستگی ملی شود، عملاً تبدیل به ضد آن گشته و فرصت‌هایی را که به‌وجود آورده، به صورت عادلانه توزیع نکرده است. به علاوه، پیش‌بینی بارگذاری جمعیت زیادی از غیربومیان در افق توسعه منطقه به همراه توسعه شهرهای جدید، باعث می‌شود که در نخبگان و روشنفکران شائبه قومیت‌زدایی و در مولوی‌ها و مذهبی‌ها شائبه سنی‌زدایی تقویت شود و در نتیجه جامعه محلی در برابر آن ایستادگی کند و با آن همراهی و مساعدت ننماید.

وجود نگاه‌ها و خط‌کشی‌های ارزشی و مذهبی در بدنه مدیران اجرایی نیز به شکاف قومی - مذهبی موجود دامن می‌زند. در روستاها و مناطق کم‌برخوردار هم عدم رونق اقتصادی، فقر، محرومیت و محدودیت‌های محیطی مانند خشکسالی و انزوای جغرافیایی، به تشدید مهاجرت به شهرهای برخوردار و توسعه حاشیه‌نشینی و بافت‌های شهری غیراصولی منجر می‌شود. عدم توسعه مطلوب نیروی انسانی محلی و عدم امکان مشارکت ایشان در مناصب و سمت‌های اجرایی توسعه نیز موجب سردرگمی و نارضایتی جامعه محلی از وضعیت موجود می‌شود. خبرگان به این موضوع ادعان داشتند که مجموع این عوامل باعث کاهش اعتماد به حاکمیت و اهداف توسعه، تشدید نارضایتی، بدبینی و حساسیت در جامعه محلی می‌شود و در نهایت به صورت خشونت‌های اجتماعی، ناهنجاری‌های اجتماعی - فرهنگی، و ناامنی و بی‌ثباتی بروز و ظهور می‌یابد.

بر مبنای شناخت به‌دست‌آمده، برای ارتقای پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران، ارتقای سطح مهارت و توانمندسازی جامعه محلی، به‌ویژه زنان، برای تصدی مشاغل تخصصی توسعه دریامحور منطقه؛ استفاده از نظرات نخبگان محلی در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی توسعه منطقه؛ مشارکت بیش‌تر مردم محلی در منافع حاصل از طرح‌های اجرایی توسعه؛ ایجاد زیرساخت‌های دریایی برای رونق کسب‌وکار مردم محلی؛ بارگذاری منطقی جمعیت غیربومی در منطقه برای پیشگیری از شائبه تغییر در ترکیب جمعیت بومی و تضعیف مذهبی؛ آگاهی و اطلاع‌رسانی شفاف اهداف، فرصت‌ها و تهدیدهای توسعه به جامعه محلی؛ افزایش سهم اهل تسنن در مشاغل و مناصب مهم دولتی؛ برقراری عدالت در بهره‌مندی جامعه محلی از فرصت‌های توسعه مانند واگذاری زمین و اعطای مجوزها؛ ایجاد اشتغال و کارآفرینی با توسعه صنایع دریایی مانند گردشگری دریایی، آبی‌پروری، صنایع فرآوری محصولات دریایی، شیلات؛

به رسمیت شناختن حقوق شهروندی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین در برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی؛ کاهش برخوردهای امنیتی؛ پرهیز از اعمال خط‌کشی‌های ارزشی، مدیریت سلیقه‌ای و ناکارآمد در طرح‌های توسعه منطقه؛ اهمیت قائل شدن برای عوامل فرهنگی و اجتماعی در نظام برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای؛ و لحاظ کردن تفاوت زبانی، قومی و مذهبی و ملاحظات فرهنگی جامعه محلی در توسعه پیشنهاد شده است.

از آن‌جا که در پژوهش‌های کیفی، پدیده مورد نظر در همان بستری که رخ می‌دهد، مورد مطالعه قرار می‌گیرند، امکان تعمیم‌پذیری نتایج به دیگر موقعیت‌ها محدود است. از دیگر محدودیت‌های پژوهش‌های کیفی این است که امکان تفاسیر مختلف از پدیده مورد بررسی وجود دارد، به همین دلیل تفسیر صورت‌گرفته در این پژوهش تنها یکی از تفاسیر پذیرفتنی در مورد آن است و امکان وجود تفاسیر دیگر همواره وجود دارد.

به سایر پژوهشگران استفاده بیش‌تر و وسیع‌تر از روش‌شناسی کیفی و تکنیک‌های مرتبط با آن در مطالعات اجتماعی - فرهنگی (چرا که استفاده از این روش‌ها می‌تواند به درک جامع‌تر و عمیق‌تری از جنبه‌های عینی و ذهنی - معنایی توسعه منجر شود)؛ بررسی راهبردهای مهم بنیان‌های هویتی مردم منطقه و افزایش تعلق خاطر ایشان به کشور و نظام سیاسی و اجتماعی؛ بررسی نقش رسانه‌های فرهنگی در پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران؛ بررسی نقش شفافیت در آگاهی و اطلاع‌رسانی فرصت‌ها و تهدیدهای توسعه به جامعه محلی در پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران؛ بررسی روش‌ها و زمینه‌های مشارکت جامعه محلی در طرح‌ها و حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی مردم محلی در توسعه دریامحور سواحل مکران؛ بررسی نقش آموزش و توانمندسازی جامعه محلی در پایداری اجتماعی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران؛ طراحی مدل بُعد پایداری اقتصادی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران؛ طراحی مدل بُعد پایداری زیست‌محیطی - فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران؛ و مطالعه مقولات برون‌مرزی و خارجی به دلیل نقص مطالعه توسعه سواحل بدون توجه به مبادلات خارجی پیشنهاد می‌شود.

الف) انگلیسی

- Akkoyunlu, Ş. (2015). The Potential of Rural-Urban Linkages for Sustainable Development and Trade. *International Journal of Sustainable Development & World Policy*, 4(2), 20-40. <https://doi.org/10.18488/journal.26/2015.4.2/26.2.20.40>
- Alyyah, A. K. (2018). Amplop Terbang: Religio-Cultural Relations among the Pilangrejo Peoples. *FIKRAH*, 6(2), 229-240. <https://doi.org/10.21043/fikrah.v6i2.4009>
- Amundsen, S., & Martinsen, Ø. L. (2015). Linking Empowering Leadership to Job Satisfaction, Work Effort, and Creativity: The Role of Self-Leadership and Psychological Empowerment. *Journal of Leadership & Organizational Studies*, 22(3), 304-323. <https://doi.org/10.1177/1548051814565819>
- Bennett, N. J. (2019). Marine Social Science for the Peopled Seas. *Coastal Management*, 47(2), 244-252. <https://doi.org/10.1080/08920753.2019.1564958>
- Boussaa, D. (2021). The Past as a Catalyst for Cultural Sustainability in Historic Cities; The Case of Doha, Qatar. *International Journal of Heritage Studies*, 27(5), 470-486. <https://doi.org/10.1080/13527258.2020.1806098>
- Charmaz, K. (2006). *Constructing Grounded Theory: A Practical Guide through Qualitative Analysis*: Sage.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory. *Basics of Qualitative Research, 3rd ed.*; Sage: Thousand Oaks, CA, USA, 860-886.
- Dessein, J., Soini, K., Fairclough, G., Horlings, L., Battaglini, E., Birkeland, I., ... Stylianou-Lambert, T. (2015). *Culture In, for and as Sustainable Development: Conclusions from the COST Action IS1007 Investigating Cultural Sustainability*: University of Jyväskylä.
- Errichiello, L., & Micera, R. (2018). Leveraging Smart Open Innovation for Achieving Cultural Sustainability: Learning from a New City Museum Project. *Sustainability*, 10(6), 1964. <https://doi.org/10.3390/su10061964>
- Glaser, B. G., & Strauss, A. L. (2017). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203793206>
- He, Z., Huang, D., Zhang, C., & Fang, J. (2018). Toward a Stakeholder Perspective on Social Stability Risk of Large Hydraulic Engineering Projects in China: A Social Network Analysis. *Sustainability*, 10(4), 1223. <https://doi.org/10.3390/su10041223>

- Hoseinpour, B., Zahiri, H., & Musai, M. (2020). Evaluating of Social Sustainability Indicators in District 15 of Tehran. *Journal of Urban Social Geography*, 7(2), 217-237.
- Hosseini, H. (2014). Analysis and Assessment of Urban Social Sustainability in Nowshahr City. *Geography and Environmental Sustainability*, 4(3), 57-71. https://ges.razi.ac.ir/article_244.html
- Islam, M., Rahaman, M., & Ahmed, Z. (2018). Blue Economy of Bangladesh: Opportunities and Challenges for Sustainable Development. *Advances in Social Sciences Research Journal*, 5(8), 168-178. <https://doi.org/10.14738/assrj.58.4937>
- Janssen, C., Daamen, T. A., & Verdaas, C. (2021). Planning for Urban Social Sustainability: Towards a Human-Centred Operational Approach. *Sustainability*, 13(16), 9083. <https://doi.org/10.3390/su13169083>
- Kangas, A., Duxbury, N., & De Beukelaer, C. (2017). Introduction: Cultural Policies for Sustainable Development. In (Vol. 23, pp. 129-132): Taylor & Francis. <https://doi.org/10.1080/10286632.2017.1280790>
- Kovalainen, A., & Eriksson, P. (2015). Qualitative Methods in Business Research: A Practical Guide to Social Research. *Qualitative Methods in Business Research*, 1-376.
- Lincoln, Y. S., Guba, E. G., & Pilotta, J. J. (1985). *Naturalistic Inquiry*: Sage. [https://doi.org/10.1016/0147-1767\(85\)90062-8](https://doi.org/10.1016/0147-1767(85)90062-8)
- Malekhoseini, A., & Mirakzadeh, A. A. (2014). Assessment of Social Impacts of Sonqure's Soleimanshah Dam on the Regions that are Under Influence of Irrigation and Drainage Network of Dam. *Journal of Rural Research*, 5(3), 589-610. <https://dx.doi.org/10.22059/jrr.2014.53184>
- Marta, B., & Giulia, D. (2020). Addressing Social Sustainability in Urban Regeneration Processes. An Application of the Social Multi-Criteria Evaluation. *Sustainability*, 12(18), 7579. <https://doi.org/10.3390/su12187579>
- McKenzie, S. (2004). Social Sustainability: Towards Some Definitions. *Hawke Research Institute Working Paper Series, No 27*.
- McKinley, E., Acott, T., & Yates, K. L. (2020). Marine Social Sciences: Looking towards a Sustainable Future. *Environmental Science & Policy*, 108(1), 85-92. <https://doi.org/10.1016/j.envsci.2020.03.015>
- Mehan, A. (2016). *Urban Regeneration: A Comprehensive Strategy for Achieving Social Sustainability in Historical Squares*. Paper Presented at the Sgem International Multidisciplinary Scientific Conference on Social Sciences and Arts.
- Michael, Y., & Peacock, C. J. (2011). *Social Sustainability: A Comparison of Case Studies in UK, USA and Australia*. Paper Presented at the 17th Pacific Rim Real Estate Society Conference, Gold Coast.
- Momeni, F., Padash, H., Khadem Alizadeh, A., & Soleimanzadeh, R. (2020).

- An Analysis of the Relation between Semiotics and Development within the Framework of Institutionalism. *Economics Research*, 20(77), 136-189. <https://doi.org/10.22054/joer.2020.12081>
- Murphy, K. (2012). The Social Pillar of Sustainable Development: A Literature Review and Framework for Policy Analysis. *Sustainability: Science, Practice and Policy*, 8(1), 15-29. <https://doi.org/10.1080/15487733.2012.11908081>
- Nasr, T., & Emadi, M. (2021). Investigating the Role of Socio-Cultural Sustainability Indicators in Urban Public Spaces' Development (Case Study: Kholdebarin Park and Eram Garden Street, Shiraz). *Urban Environmental Planning and Development*, 1(4), 57-76. https://juep.shiraz.iau.ir/article_687607.html
- Neira, B. A. M. (2018). La Incorporación de la Cultura y el Patrimonio en el Desarrollo Sostenible: Desafíos y Posibilidades. *Revista Humanidades: Revista de la Escuela de Estudios Generales*, 8(1), 1-33.
- Rahimzanjani, S., Rahimzadeh, M., & Kianersi, M. (2022). Explaining the Relationship between Sustainability of Public Culture and Promotion of Social Sustainability in Large-Scale Residential Complexes (Case Study: Punak Residential Complex in Zanjan). *Geography (Regional Planning)*, 12(3), 160-185. http://www.jgeoqeshm.ir/article_150676.html
- Razzaghi Asl, S., & Khoshghadam, F. (2017). Evaluation of the Factors Affecting Social Sustainability Improvements and Their Impact on the Renovation of Deteriorated Areas from Resident's Viewpoint (Case Study: Shiva Neighborhood in Tehran). *Motaleate Shahri*, 6(22), 59-74. http://urbstudies.uok.ac.ir/article_47826.html
- Razzaque, F. (2013). Role of Mass Media in Facilitating Citizen Participation in Bangladesh Public Procurement. BRAC Univeristy.
- Roshandel Arbatani, T., & Jafari Zoj, S. J. (2015). A Competency Model for Human Resources in News Organizations: Case Study. *Management and Development Process*, 28(3), 47-62. <http://jmdp.ir/article-1-2005-fa.html>
- Saadat Gharehbagh, H., Sobhiyah, M. H., Khodadad Hosseini, S. H., & Dadashpoor, H. (2019). Development of a Theoretical Model for the Definition Process of the Successful Mega-Program in the Iranian Free Zone. *Management and Development Process*, 32(2), 3-29. <http://jmdp.ir/article-1-3543-fa.html>
- Saunders, F., Gilek, M., Ikauniece, A., Tafon, R. V., Gee, K., & Zaucha, J. (2020). Theorizing Social Sustainability and Justice in Marine Spatial Planning: Democracy, Diversity, and Equity. *Sustainability*, 12(6), 2560. <https://doi.org/10.3390/su12062560>
- Shekhi, M., Jomepour, M., & Sajadi, A. (2019). Citizen Satisfaction Evaluation of Relationship between Environmental Qualities and Social Sustainability (Case Study: Chizar Neighborhood, Tehran, Iran). *Urban Planning Knowledge*,

- 2(4), 19-31. <https://dx.doi.org/10.22124/upk.2019.10171.1090>
- Silver, J. J., Gray, N. J., Campbell, L. M., Fairbanks, L. W., & Gruby, R. L. (2015). Blue Economy and Competing Discourses in International Oceans Governance. *The Journal of Environment & Development*, 24(2), 135-160. <https://doi.org/10.1177/1070496515580797>
- Soini, K., & Birkeland, I. (2014). Exploring the Scientific Discourse on Cultural Sustainability. *Geoforum*, 51(1), 213-223. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2013.12.001>
- Talebian, S. A., & Mallaki, A. (2013). A Model for the Social Impacts Assessment in Iran's Oil and Gas Industry. *Socio-Cultural Development Studies*, 1(3), 161-186. <http://journals.sabz.ac.ir/scds/article-1-40-fa.html>
- Tavana, M., & Nourian, F. (2017). Assessment of Social Sustainability in Sprawl Urban Neighborhoods (Case Study: Shadabad, Tehran). *Human Geography Research*, 49(4), 885-900. <https://dx.doi.org/10.22059/jhgr.2016.59455>
- UN. (2014). *Blue Economy Concept Paper*. <https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/2978BEconcept.pdf>
- UNEP, United Nations Environmental Programme. (2015). *Green Economy*. November 5. <https://www.unep.org/explore-topics/green-economy>
- Unhasuta, S., Sasaki, N., & Kim, S. M. (2021). Impacts of Tourism Development on Coastal Communities in Cha-Am Beach, The Gulf of Thailand, through Analysis of Local Perceptions. *Sustainability*, 13(8), 4423. <https://doi.org/10.3390/su13084423>
- Weaver, D. (2020). *Advanced Introduction to Sustainable Tourism*: Edward Elgar Publishing.
- Weingaertner, C., & Moberg, Å. (2014). Exploring Social Sustainability: Learning from Perspectives on Urban Development and Companies and Products. *Sustainable Development*, 22(2), 122-133. <https://doi.org/10.1002/sd.536>
- Wiktor-Mach, D. (2020). What Role for Culture in the Age of Sustainable Development? UNESCO's Advocacy in the 2030 Agenda Negotiations. *International Journal of Cultural Policy*, 26(3), 312-327. <https://doi.org/10.1080/10286632.2018.1534841>
- Yaghoubi, A., & Rezakhani, Z. (2021). Social Sustainability Analysis in Residential Complexes using SWARA-TOPSIS Method. *Journal of Iranian Architecture & Urbanism (JIAU)*, 12(2), 217-234. <https://dx.doi.org/10.30475/isau.2021.131910.0>
- Zanganeh, M., Baniasad, T., & Khavari, A. (2020). Evaluation of Social Stability in the New Towns (Case Study: Town Mehregan in Mashhad). *Urban Structure and Function Studies*, 7(22), 113-129. http://shahr.journals.umz.ac.ir/article_2532.html

ب) فارسی

اشتراوس، آنسلم، و کوربین، جولیتام (۱۳۸۷). *اصول و روش تحقیق کیفی نظریه مبنایی: رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
امامی، محمدرضا (۱۳۹۱). توسعه دریامحور، نگاه راهبردی برای توسعه همه‌جانبه کشور. نشریه بندر و دریا، ۲۷(۶۲)، ۹.

بازرگان، علی (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته*. انتشارات دیدار.
جوان مجیدی، جواد، و ذکاوتی اصل، میلاد (۱۳۹۴). پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی. *کنفرانس ملی معماری و شهرسازی پایدار با رویکرد انسان و محیط*.

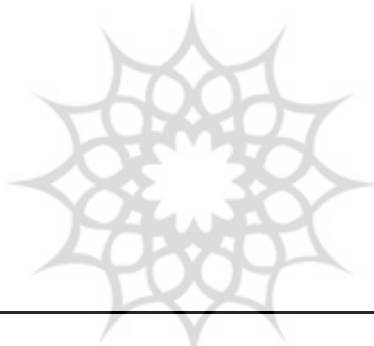
خاکپور، براتعلی؛ شریف‌زاده اقدم، ابراهیم، و شیخی، عبدالله (۱۳۹۷). ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در پایداری اجتماعی-فرهنگی محلات شهر پیرانشهر (با توجه به زیرگروه‌های جمعیتی). *نشریه جامعه‌شناختی شهری*، ۸(۲۸)، ۱۳۳-۱۶۴. http://urb.dehaghan.ac.ir/article_662640.html

دانایی‌فرد، حسن، و امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی، تاملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. *نشریه اندیشه مدیریت راهبردی*، ۲(۱)، ۶۹-۹۷.
رنانی، محسن و مویدفر، رزیتا (۱۳۹۱). *چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد: سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران*. انتشارات طرح نو.

سالمی، مریم؛ همزه‌ای، محمدرضا، و میرک‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۹۰). سنجش پایداری اجتماعی زنان روستایی شهرستان سقز. *نشریه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۹(۲۷)، ۵۵-۷۹. <https://dx.doi.org/10.22051/jwsp.2011.1391>

کرمی، غلامحسین، و رضایی مقدم، کورش (۱۳۹۵). تحلیل اثرات و پیامدهای برنامه‌های توسعه: آموزه‌هایی برای نهادهای مشارکت و پایداری اجتماعی. *نشریه مشارکت و توسعه اجتماعی*، ۱(۲)، ۹۶-۱۱۶. <http://jpsd.hormozgan.ac.ir/article-1-54-fa.html>

متوسلی، محمود (۱۳۹۳). *توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، نهادگرایی و روش‌شناسی*. انتشارات سمت.



نحوه ارجاع به مقاله:

قلی پور مقدم، فرید؛ اسماعیلی، رضا، و پیکانی، مهربان هادی (۱۴۰۱). پیامدهای پایداری اجتماعی-فرهنگی توسعه دریامحور سواحل مکران. نشریه فرایند مدیریت و توسعه، ۳۵(۲)، ۱۹۲-۱۶۵.

Gholipour Moghadam, F., Esmaili, R., & Peykani, M. H. (2022). Implications of Socio-Cultural Sustainability of Marine-Based Development of Mokran Coastal Zone. *Management and Development Process*, 35(2), 165-192.

DOI: [10.52547/jmdp.35.2.165](https://doi.org/10.52547/jmdp.35.2.165)

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Planning and Budgeting. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

